

واقعاُ ما باسوادیم؟!

شما هم امروز صبح یا صدای زنگ همدار تلفن همراهتان بیدار شدید؟ اگر درست حدس زده‌باشم شاید بعد از آن هم پیام‌های تلفن همراهتان را چک کردید و بعد از رختخواب بیرون آمدید. شاید تلویزیون را روشن کردید و بعد صبحانه خوردید و سپس در مسیر محل کار یا تحصیل از رادیو وسیله نقلیه خود یا تاکسی اینترنتی‌ای که با آن به مقصد رقتید به موسیقی یا اخبار گوش کردید یا در مسیر در شبکه‌های اجتماعی چند دقیقه وقت گذراندید تا به مقصد برسید یا اصلاً مشغول خواندن یک کتاب بودید. آیا توجه دارید که در تک‌تک این اقدامات با یک رسانه سر و کار داشتید و پیام‌های گوناگون شنیدنی یا دیدنی را دریافت کردید؟

مهدی زربن نام

دبیر نهفت سواد رسانه‌ای انقلاب اسلامی بسیج تهران

بله، در دنیای امروز رسانه‌ها ما را احاطه کردند و سعی می‌کنند افکار، احساسات و رفتار ما را تحت تأثیر قرار دهند. از بلیپورد تبلیغاتی که در مسیر نظرمان را جلب می‌کند و می‌خواهد کالایی را به ما غالب کند تا پیام‌هایی که در مطبوعات و رادیو و تلویزیون یا شبکه‌های اجتماعی دریافت می‌کنیم هر یک با هدفی ما را خطاب قرار می‌دهند. اینجاست که برای تحلیل این پیام‌ها و گزینش کردن اینکه کدام را بپذیریم یا نه و چرایی تولید و انتقال پیامش را در ک‌کنیم باید به یک مهارت مسلح شویم که آن را «سواد رسانه‌ای» می‌نامند.

سواد رسانه‌ای به عنوان یک مهارت ضروری برای زندگی در عصر اطلاعات شناخته می‌شود که به توانایی تحلیل، ارزیابی و تولید محتوا در رسانه‌های مختلف اشاره دارد. این مهارت به افراد کمک می‌کند تا به طور انتقادی به پیام‌های رسانه‌ای نگاه کنند و توانایی تشخیص حقیقت از دروغ را پیدا کنند. در عصر دیجیتال، جایی که اطلاعات به سرعت منتشر می‌شود و دسترسی به آن آسان است، داشتن سواد رسانه‌ای بیش از هر زمان دیگری ضروری است.

تاریخچه سواد رسانه‌ای به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد، زمانی که محققان شروع به شناسایی تأثیرات رسانه‌ها بر رفتار و افکار انسان‌ها کردند. یکی از اولین مراجع در این زمینه، «هارشال مک‌لوهان» بود که در کتاب خود با عنوان «میدان‌های گرم و سرد» (۱۹۶۷) به بررسی تأثیرات رسانه‌ها بر فرهنگ و جامعه پرداخت. او بیان کرد که «رسانه خود پیام است» و این جمله نشان‌دهنده اهمیت نوع رسانه در انتقال پیام‌ها است.

بعد از آن با ظهور تلویزیون و اینترنت، نیاز به سواد رسانه‌ای بیشتر احساس شد تا اینکه در دهه ۱۹۹۰، سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو شروع به ترویج سواد رسانه‌ای کردند و به تدریج برنامه‌های آموزشی برای ارتقای این مهارت ایجاد شد.

در سال‌های اخیر، سواد رسانه‌ای به عنوان یک موضوع مهم در نظام آموزشی و فرهنگی ایران نیز مطرح شده‌است، با توجه به افزایش دسترسی به اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، جوانان و نوجوانان بیشتر از هر زمان دیگری در معرض محتوای رسانه‌ای قرار دارند. این امر نیاز به آموزش سواد رسانه‌ای را ضروری کرده‌است. سازمان‌ها و نهادهای مختلفی در ایران هم از جمله وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از یک سو و سازمان بسیج در قالب نهفت سواد رسانه‌ای انقلاب اسلامی (نسرا) از سوی دیگر تلاش‌هایی برای ترویج سواد رسانه‌ای انجام داده‌اند. موسسات خصوصی دیگری نیز به این حوزه ورود داشته‌اند. برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های مختلفی در این زمینه برگزار شده‌است که هدف آنها ارتقای توانایی تحلیل و ارزیابی محتوای رسانه‌ای در بین است.

با این حال، باید پرسید که ما ایرانی‌ها باسواد هستیم؟ منظور ما سواد همان سواد رسانه‌ای است، چراکه سواد خواندن و نوشتن سال‌هاست که دیگر به عنوان سواد پایه شناخته می‌شوند و سواد اطلاعاتی و سواد دیجیتال هم به انواع آنها افزوده شده‌است. با توجه به اینکه آمار و اطلاعات دقیقی در اینبار نیست نمی‌توان پاسخی مطلق داد، اما براساس برون داد وقایع که طی زمان بروز می‌کند می‌توان گفت پاسخ منفی است.

اگر چه در برخی مقاطع تحصیلی طی چند سال اخیر به بحث سواد رسانه پرداخته شده‌است، اما عموم جامعه اطلاعاتشان در این زمینه ناکافی است و در برهه‌هایی دیده می‌شود که حتی فضای مجازی امنیت روانی را به همین دلیل مختل می‌کند، بنابراین باید در این زمینه بیشتر گفته و شنیده شود و از منظرهای مختلفی به این موضوع پرداخته شود.

در اینجا خالی از لطف نیست تا دلایلی از اهمیت سواد رسانه را بدانیم. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های امروز، حجم بالای اطلاعات نادرست و اخبار جعلی است. سواد رسانه‌ای به افراد کمک می‌کند تا منابع معتبر را شناسایی کنند و از اطلاعات نادرست دوری کنند. سواد رسانه‌ای به افراد این امکان را می‌دهد که به طور انتقادی به محتوا نگاه کنند و سوالاتی مانند «این پیام چه هدفی دارد؟» یا «این منبع چقدر معتبر است؟» را مطرح کنند. این روش کمک می‌کند تا از پذیرش بی‌چون و چرای اطلاعات پرهیز شود. از سویی دیگر با شناخت نحوه عملکرد رسانه‌ها و تکنیک‌های آن، افراد می‌توانند بهتر بفهمند که چگونه تبلیغات و پیادهای رسانه‌ای روی آنها تأثیر می‌گذارد. باید توجه داشت سواد رسانه‌ای تنها محدود به مصرف محتوا نیست، بلکه شامل تولید محتوا نیز می‌شود. با یادگیری مهارت‌های لازم برای تولید محتوا، افراد می‌توانند در جامعه نقش آفرینی داشته‌باشند.

خیرگوشه

■ **بنابار** اعلام وزارت بهداشت، پویش «من هم تست‌آچ‌آی‌وی می‌دهم» از ۱۲ تان تا ۲۰ آذر ۱۴۰۳ در سراسر کشور برگزار می‌شود. در این پویش آزمایش آچ‌آی‌وی، پس از مشاوره و تنها با رضایت فرد به صورت رایگان و محرمانه انجام می‌شود. تست تشخیصی آچ‌آی‌وی در مراکز مشاوره بیماری‌های رفتاری به صورت کاملاً محرمانه و رایگان در دسترس است. آدرس مراکز ارائه‌دهنده خدمت تشخیص آچ‌آی‌وی از طریق سایت <https://icdc.behdasht.gov.ir/vct> قابل دسترس عموم است.

■ **رئیس** شورای عالی استان‌ها از ارسال طرح هفت‌ساله‌شدن دوره ششم شورا(ها) (افزایش مدت فعالیت دوره ششم) به مجلس شورای اسلامی خبر داد و گفت: در صورت موافقت، مدت فعالیت شورای فعلی از چهار سال به هفت سال افزایش خواهد یافت.

■ **استاندار** تهران گفت: برای اینکه در شهر تهران به متوسط سرائه آموزشی برسیم، باید ۱۳ هزار کلاس درس احداث کنیم.

■ **رئیس** سازمان بهزیستی کشور از طراحی بخش طلایی و نقره‌ای برای اهدا به ساختمان‌های بخش خصوصی و عمومی مناسب‌سازی شده برای اشخاص دارای معلولیت خبر داد و گفت: به علت اینکه در سرشماری‌های عمومی اطلاعات اشخاص دارای معلولیت مجزا ثبت نمی‌شود، ما هیچ اطلاعات دقیقی در مورد تعداد این افراد و نوع معلولیت‌ها نداریم.

■ **مدیر کل** دفتر طب ایرانی و مکمل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام کرد که ایران پس از چین، هند و آمریکا، در رتبه چهارم تولید علم سنتی در جهان قرار دارد که این امر نشان‌دهنده عزم راسخ متخصصان ایرانی در تولید علم در این حوزه است. ■ **بر** اساس آمار، حدود ۵۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز در کشور سالانه ۵۰ میلیارد متر مکعب آب از ایحوان‌ها برداشت می‌کنند.

شنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۳ | ۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۶ | شماره ۲۱۶۷

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۰۸۸۵۳۳



بررسی چالش‌های دانشگاه فرهنگیان در گفت‌وگوی «جوان» با پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت

دانشگاه فرهنگیان اسیر سیاسی کاری نفوذ و دشواری فرآیندها شده‌است

شاید یکی از دلایلش این باشد که دانشگاه فرهنگیان، هنوز بر اساس معماری کلان بر نامه درسی سابق که قبلاً نگارش شده فعالیت می‌کند و البته دلایل دیگری نیز در این رابطه وجود دارد که همه‌شان نشان می‌دهد این دانشگاه همچنان نتوانسته منطبق بر رو به‌های تحولی و نیاز روز آموزش و پرورش حرکت کند. در گفت‌وگو با «جوان» با یکی از اعضای هیئت مدیره مرکز توسعه و توجیه بیشتری نیاز دارد و این نیاز بیش از هر زمان دیگری حس می‌شود. به منظور بررسی چالش‌های دانشگاه فرهنگیان و یافتن راهکار برای بهبود وضعیت آن، «جوان» با حمید ریغیعی، پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت گفت‌وگو کرده‌است.

قابلیت تربیت‌پذیری بیشتری دارد. بنابراین نظر من این است که جذب شغل معلمی از طریق کنکور و معنص به دانش آموزان باشد و مشخص افرادی که از کنکور سراسری قصد ورود به این شغل را دارند. نه افرادی که آموزش‌های دیگر دیده و راه به جایی نبر دهند و حالا مجدداً باز گشته‌اند تا معلم شوند. آن دسته از افرادی که علاقه یا امکان نداشته‌اند شرایط برای‌شان فراهم نشده که معلم شوند، از طریق کنکور ماده ۲۸ یا کنکور کارشناسی ارشد وارد فرایند عملی شوند. از طرفی به عقیده من، دوره جذب ماده ۲۸ که الان دارد از سال ۲۰ تا ۴۰ سال انجام می‌شود نیز باید تغییر پیدا کند و تا ۳۰ سال کاهش پیدا کند، تا این گروه سنی که انگیزه دارند و به علتی نتوانسته‌اند وارد شغل معلمی شوند، از طریق کارشناسی ارشد، معلم شوند.

قرار بود نخبگان علمی، فرهنگی و ورزشی کشور در دانشگاه فرهنگیان بدون شرکت در کنکور پذیرش بشوند، اما هنوز این کار متوقف مانده‌است. متوقف ماندن این طرح، چه آسیب‌هایی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟

به نظر می‌رسد این کار صورت خواهد گرفت. احتمالاً با توجه به تغییرات دولت و بازنگری‌ها و رویکردهایی که وجود داشته، این کار تا الان متوقف مانده‌است. اما باید پیگیری کرد تا سریع‌تر این اتفاق بیفتد. البته شاخص‌ها و چالش‌هایی در این حوزه خواهد بود، مثلاً اینکه اگر دانشگاه فرهنگیان این فراخوان را الان اعلام کند، احتمالاً افراد بسیار زیادی متقاضی ثبت‌نام می‌شوند. به هر حال، از مثلاً ده‌ها هزار نفری که در این فرایند شرکت خواهند کرد، ۲۰٫۲ هزار نفر قبول می‌شوند، شبیه آزمون‌های استخدامی، اما تمامی افرادی که رد می‌شوند، چون اینجا یک بستر استخدام دارد و خود را ذی‌حق قلمداد می‌کنند که حششان تضییع شده، به این فرایند اعتراض می‌کنند. از آنجایی که در یک شرایطی قرار داریم که سیاستگذار، قانونگذار و مجری از اعتراض هراس دارند، بنابراین برآورد می‌شود این فراخوان منجر به اعتراض عده‌ای شود و دستگاه را دچار اختلال کند، بنابراین مسئولان را از رفتن به سمت این اقدام دور می‌کند، چراکه که دست‌آورد حجم اعتراضات به قدری بالا بگیرد که دستگاه قادر نباشد بدان پاسخ بدهد. به همین دلیل مسئولان تلاش می‌کنند با یک مدل متعارف همه‌پذیر این کار انجام شود.

به عقیده من، اگر جذب نخبگان در دانشگاه فرهنگیان به‌گفت‌وگو تبدیل نشود، آموزش و پرورش راحت‌تر می‌تواند این کار تحولی و جدی را دنبال کند. در چنین شرایطی، آمادگی این کار فراهم می‌شود. در این زمینه، رسانه‌ها نقش مهمی می‌تواند ایفا کنند. آنها می‌توانند از فرآیندهای طرح شده، حمایت کنند و جریان اجتماعی را به هدایت کنند تا به بهترین شکل ممکن این کار به نتیجه برسد.



بخوانند مطالعه بیشتری داشته‌باشند یا در نقش

خودشان موفق عمل کنند.

باید برای این رفتار اشتباه قری شود و دانشگاه پس از فارغ التحصیلی دانشجویان، برنامه‌ریزی مناسبی برایشان داشته باشد، مثلاً در سال آخری که دانشجو دارد فارغ التحصیل می‌شود، او را محک بزند و ارزیابی کند. در صورتی که فرد، گواهی صلاحیت حرفه معلمی را گرفت، او را به کار بگیرد. به عبارت دیگر، تفاوتی میان کسی که خوب کار می‌کند و کسی که خوب کار نمی‌کند، وجود داشته باشد. علاوه بر این، مشوق‌هایی که برای جذب افراد بهتر به تربیت معلم پرداخت می‌شود، نباید به منابعی برای مواجهه با افراد ضعیف تبدیل شود؛ مثلاً اگر فردی چهار سال در دانشگاه تربیت معلم آموزش دیده اما ضعیف عمل کرده، باید اخراج شود،

در صورتی که شاهد آن هستیم به دلیل دریافت حقوق چهار ساله و تلقی فرد به عنوان معلم، هیچ مواجهه‌ای با او انجام نمی‌شود و با هر مدعلی و هر نمره‌ای که کسب می‌کند وارد آموزش و پرورش می‌شود، امری که آسیب‌هایی به دنبال دارد.

بنابراین باید ما یک فرایند معنستار در قالب نظام جامع تربیت معلم طراحی کنیم که فرایند جذب، پذیرش، ارتقا، تربیت و حتی احراز صلاحیت معلمان را شامل شود و در این فرایند، معلم را براساس عملکرد کلاسی و تدریسش ارزیابی کنیم. اگر این اتفاق بیفتد، نظام انگیزشی معلمان ارتقا پیدا می‌کند و کیفیت دانشجو معلمان خروجی نیز افزایش می‌یابد.

می‌دانیم که اگر معلم خوبی در دانشگاه فرهنگیان تربیت شود، تأثیر زیادی بر تنسل آینده خواهد داشت. شما چقدر موافق هستید و چه کارهایی باید انجام بدهیم؟

هر کس که در ک‌کند و از فکر استراتژیک‌تر برخوردار باشد، متوجه می‌شود که مرکز توجه نظام باید امروز تربیت معلم باشد، چراکه اوست که نیروی انسانی آینده را تربیت می‌کند. بنابراین هر چه روی این



درسك آفتاب سرتوشنبا مهدی مولایی



عدم همراهی برخی کشورهای عربی منطقه و بدنه خواص آنها با قضیه فلسطین و مبارزه با صهیونیسم، مسئله‌ای است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و دغدغه‌مندان جهان اسلام را به خود متوجه است، کشورهایی که طبق سیاست‌های عاقبت‌طلبانه خود را کوچک‌ترین همراهی و حمایت از جریان مقاومت در فلسطین دریغ کرده و دامن خود را از تمام منازعات فلسطینی-اسرائیلی کنار کشیده‌اند.

در روزهای اخیر انتشار ویدئویی از گفت‌وگوی تلویزیونی یک مفتی سعودی درباره قضیه فلسطین، بار دیگر توجهات بسیاری را به این مسئله جلب کرده‌است. در این گفت‌وگوی تصویری، عالم وهابی در کمال وقاحت عنوان می‌کند که «در قیبر ما را جمع به ادرا و طهارت سؤال خواهد شد و اگر پاسخ ندهیم عذاب خواهیم شد، اما اگر نسبت به مسئله فلسطین پاسخی ندهیم عذاب نخواهیم شد». این گزاره نه صرفاً یک اظهار نظر کوچک و شخصی بلکه نمودی از افکار ریشه‌دوانده و قدیمی وهابیت و سلفی‌گری است. علمای وهابیت در تمام دهه‌های اخیر نه تنها حمایت درخور توجهی از وضعیت مسلمانان فلسطینی نکرده‌اند، بلکه گاه و بی‌گاه با اظهار نظرهای وقیحانه خود موجب تضعیف و تالم جبهه مقاومت شده‌اند. در سال‌های اخیر کتابی تحت‌عنوان «السلبون وقضیه‌الفلسطین فی واقعنا المعاصر» منتشر شده که به برخی از آرای بزرگان وهابیت درباره موضوع فلسطین پرداخته است. در قسمتی از این کتاب به فتوایی عجیب از مفتی بزرگ معاصر وهابیت، ناصرالدین البانی اشاره شده که در پاسخ به سؤال یک فلسطینی درباره وضعیت اسفبار مردم این کشور، گفته است: «هر مسلمانی که نمی‌تواند دینش را در هر سرزمینی اقامه کند، لازم است آنجا را ترک کند و به سرزمین دیگری وارد شود که می‌تواند دینش را در آن سرزمین اقامه کند. مانند هجرت پیامبر از مکه به مدینه».

یعنی البانی صریحاً نسخه «ترک سرزمین مادری و تسلیم آن به دشمن» را برای فلسطینیان تجویز کرده‌است. اخیراً هر محمد العریفی از سلفیون مشهور معاصر در توییتی خطاب به مسلمانان گفته‌بود: «تومی‌تولی برای مسجدالاقصی چیزی تقدیم کنی جز اینکه برای مردم فلسطین دعا کنی!» علما و فقهای سلفی نه تنها در مقام مرجعیت دینی برای عموم پیروان خود، بلکه در قامت ایدئولوژیست‌های بی‌غیرت‌ی، عقاید و افکار عاقبت‌طلبانه خود را در بدنه سیاسی کشورهای عربی بسط می‌دهند و همین فتاوی نقش بسزایی در افعال مردم و دولت‌های عربی ایفا می‌کند. به عبارت دیگر افعال و عدم تحرک و حمایت کشورهای عربی از مسئله فلسطین، صرفاً در نگاه سیاسی آنها به وقایع خلاصه نمی‌شود و ریشه‌های عمیق قبیعی و کلامی دارد و فقهای سلفی به طور تمام‌وقت در حال تأمین فکری محافل تصمیم‌ساز این جوامع هستند.

سلامه

درمان ۸۰بیماری با خون بندناف

مدیر عامل بانک خون بندناف رویان بیان اینکه سلول‌های بنیادی **خون بندناف** و **ضمانت زایمانی** به عنوان **زباله بیولوژیکی دور ریخته می‌شوند**، گفت: این در حالی است که ضمانت زایمانی از رشدنند هستند و در صورتی که ذخیره شوند در حوزه پزشکی کاربرد دارند. مدیر عامل بانک خون بندناف، بیان کرد: با استفاده از سلول‌های بنیادی خون بندناف و ضمانت زایمانی به عنوان زباله بیولوژیکی دور ریخته می‌شوند، اما بررسی‌ها بیانگر این است که ضمانت زایمانی و سلول‌های بنیادی خون بندناف، زباله بیولوژیکی نیستند، بلکه ضمانت زایمانی هستند و در صورتی که ذخیره شوند، در حوزه پزشکی کاربرد دارند. مدیر عامل بانک خون بندناف رویان ضمن گرامیداشت مرحوم کاظمی آشنیانی اظهار کرد: مرحوم کاظمی آشنیانی، بنیانگذار پژوهشگاه رویان، بنیانگذار تحقیقات سلول‌های بنیادی و بانک خون بند ناف بود. شرکت فناوری ری باخته‌های رویان در سال ۱۳۸۴ با هدف تأمین سلول‌های بنیادی مورد نیاز مراکز پیوند ارمانداری شد.

ضرابی درباره کاربرد سلول‌های بنیادی توضیح داد: اگر سلول‌های بنیادی غیر خرونی می‌توانند برای بیماری‌های بدن در بافت‌های آسیب‌دیده شوند، می‌توانند در درمان بیماری‌های مختلف اثر گذار باشند. سلول‌های بنیادی خوئساز در بیماری‌هایی که منشأ خوئی دارند، کاربرد دارند و سلول‌های بنیادی غیر خون‌ساز نیز در بیماری‌هایی که منشأ عصبی دارند، قابلیت کاربرد دارند.

مدیر عامل شرکت فناوری ری باخته رویان ادامه داد: سلول‌های خون‌ساز برای درمان بیماری‌هایی مانند سرطان خون، تالاسمی، نقص سیستم ایمنی و کم‌خونی‌های مادرزادی استفاده می‌شوند. همچنین سلول‌های بنیادی غیر خرونی می‌توانند برای بیماری‌های عصبی و بیماری‌های ارتوپدی استفاده شوند که این موضوع در حال سیری کردن کار آزمایشی بالینی است و محققان امیدوارند بتوانند از این سلول‌ها برای درمان بیماری‌های استفاده کنند. او ادامه داد: همچنین موفق به ایجاد بانک‌هایی از سرم خون بندناف و پلاسمای خون بندناف شده‌ایم که در امور تحقیقاتی و درمانی کاربرد دارد. یکی از مهم‌ترین بانک‌های شرکت فناوری ری باخته رویان، بانک اطلاعاتی HLA است که نمونه مناسب را از میان ۳۰۰ هزار نمونه‌ای که دردفنای که ذخیره کرده‌ایم برای پیوند انتخاب کنیم. مدیر عامل شرکت فناوری ری باخته رویان گفت: بانک تنها ذخایر ژنتیک هستیم که توانسته‌ایم بانک خون بند ناف، بانک سلول بنیادی مغز استخوان، بانک سلول بنیادی خون محیطی، بانک سلول بنیادی غیر خوئی بند ناف، بانک سلول‌های بنیادی پالپ دندان، بانک HLA، پلاسمای خون بند ناف، بانک سلول‌های غیر خوئی بندناف را در کنار یکدیگر ذخیره کنیم و به مراکز پیوند و تحقیقاتی ارائه دهیم.

مدیر عامل شرکت فناوری‌های ری باخته رویان در ارتباط با بومی سازی فنی بانک خون بندناف توضیح داد: در حال حاضر، دانش فنی دستیابی به منابع، امکان تمایز، استفاده تحقیقاتی و درمانی و نگهداری طولانی مدت بیش از ۲۰ سال در این بانک بومی‌سازی شده‌است. ضرابی با بیان اینکه ذخیره سلول‌های بنیادی از اهمیت فراوانی برخوردار است، گفت: اگر بخواهیم نمونه برای پیوند بیمارانی مانند رادر از سایر کشورها وارد کنیم، وزارت بهداشت می‌بایست برای هر نمونه بیش از ۴۰ هزار یورو پرداخت کند.

ضرابی درباره کاربرد سلول‌های بنیادی برای درمان بیماری‌های نیز گفت: سلول بانک بنیادی، پتانسیل درمان ۸۰ بیماری را دارد. منظور از پتانسیل سلول‌های بنیادی برای درمان بیماری‌ها این است که اگر بتوان یک سلول بنیادی را جایگزین سلول با بافت آسیب‌دیده کنیم، می‌توان به درمان آن بیماری فکر کرد. به طور مثال در مواجهه با افرادی که مبتلا به تالاسمی هستند، گفته می‌شود که سلول‌های بنیادی را از فردی که بیمار با او تطابق ژنتیکی دارد، سلول‌های بنیادی خون‌ساز را دریافت کنند و به بیمار پیوند زنند.